

### نظام سیاسی

- انتظار می‌رود دانش‌آموز در پایان این فصل بتواند :
- ۱- مفهوم نظام سیاسی و اجزای اصلی آن را توضیح دهد.
  - ۲- عمده‌ترین وظیفه‌ی نظام سیاسی را بیان کند.
  - ۳- دو نظام سیاسی خودکامه و قانونی را مقایسه کند.
  - ۴- ویژگی‌های نظام جمهوری اسلامی ایران را بیان کند.
  - ۵- ساختار سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران را با نظام‌های دیگر مقایسه کند.
  - ۶- ضرورت و اهمیت مشارکت سیاسی را شرح دهد.
  - ۷- راه‌های مختلف مشارکت سیاسی افراد را در جامعه با یکدیگر مقایسه کند.
  - ۸- شرکت در انتخابات را مهم‌ترین نقش فرد در نظام سیاسی بداند.
  - ۹- تأثیر متقابل نظام سیاسی را بر خانواده تجزیه و تحلیل کند.
  - ۱۰- تأثیر متقابل نظام سیاسی را بر نظام آموزشی شرح دهد.



## مفهوم نظام سیاسی

افراد در کنار دوستی با یکدیگر که به تشکیل گروه منجر می‌شود و در آن احساس **یگانگی و وحدت** می‌کنند، دچار **برخورد و تعارض** هم می‌شوند؛ مثلاً:

— در خانواده، با وجود احساس همدلی و یگانگی میان اعضا، ممکن است میان زن و شوهر، والدین و فرزندان و نیز فرزندان با یکدیگر اختلافاتی پیش آید؛  
— در یک گروه دوستی، با وجود صداقت و صمیمیت میان اعضا، گاهی ممکن است اختلافاتی نیز مشاهده شود؛ شاید شما هم تجربه‌ی این اختلافات را داشته باشید.  
بنابراین، می‌توان گفت: وحدت و یگانگی یک روی زندگی اجتماعی و کشاکش و برخورد روی دیگر آن است. در این برخوردها افراد می‌خواهند به یکدیگر دستور دهند یا به عبارت دیگر، اراده‌ی خویش را به یکدیگر تحمیل کنند.

### **فعالیت ۱-۵** در کلاس بحث کنید:

برای حلّ دعاوها و درگیری‌ها درون گروه‌های زیر، چه چاره‌ای باید اندیشید؟

۱- در خانواده میان فرزندان

۲- در میان خویشاوندان

۳- در مدرسه میان دانش‌آموزان.

در سطح جامعه نیز روابطی شبیه آن چه گفته شد در جریان است. در یک جامعه افراد و گروه‌ها در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و گاه میان آن‌ها برخورد و اختلاف پیش می‌آید؛ مثلاً ممکن است:

— افرادی مقررات را رعایت نکنند (به هنجارها عمل نکنند) و به این ترتیب زندگی

اجتماعی را مورد تهدید قرار دهند؛

— گروه‌هایی برای پایمال کردن حقوق گروه‌های دیگر گام بردارند.

بنابراین، افراد و گروه‌هایی که به هنجارها عمل نمی‌کنند، تعادل و هماهنگی جامعه را مختل می‌سازند. گاه تعادل و هماهنگی یک جامعه‌ای به دنبال تجاوز جامعه‌ای دیگر به



قلمرو سرزمینی آن با اختلال روبه‌رو می‌شود.

گاهی نیز ارتباط میان جوامع و همراه با آن انتقال فرهنگ و فناوری از جامعه‌ای به جامعه‌ی دیگر، تعادل نظام اجتماعی را مختل می‌کند.

هم چنین ممکن است عواملی چون محدودیت قلمرو سرزمینی و منابع غذایی، جمعیت زیاد و ... جامعه را تهدید کنند.

در این گونه موارد، چاره‌اندیشی برای رفع اختلالات و عدم تعادل‌ها ضروری و اساسی است.

در گروه‌ها، در کنار نقش‌های مختلف، نقش‌هایی برای حلّ درگیری‌ها و منازعات نیز شکل می‌گیرد؛ به بیان دیگر، حلّ دعاواها و درگیری‌ها به نقش‌هایی محوّل می‌شود؛ مثلاً:

— ریش سفید در محله

— پدر یا مادر در خانواده

— پیران و افراد مسن در میان خویشاوندان

— و ...

جامعه نیز در مقابل هر گونه تهدیدی که ممکن است موجب اختلال در تعادل و هماهنگی آن شود، نقش‌هایی را در نظر می‌گیرد. معمولاً این نقش‌ها اختیار استفاده از اجبار فیزیکی (زور) را دارند؛ مثلاً:

— پلیس

— قاضی

— وزیر دفاع

— و ...

**فعالیت ۲-۵** برای هر یک از عوامل برهم زننده‌ی تعادل نظام اجتماعی که در زیر آمده است، دو نمونه‌ی دیگر ذکر کنید.

الف — تضادها و اختلافات داخل جامعه: ۱- برخورد میان هندوها و مسلمانان در جامعه‌ی هند، ۲- ... و ۳- ...

ب — انحراف از قانون: ۱- احتکار، ۲- ... و ۳- ...

پ — تهدید خارجی: ۱- ادعای عراق درباره‌ی بخشی از خاک کویت، ۲- ...

و ۳- ...

بنابراین، به نقش‌هایی که با هدف **حفظ تعادل نظام اجتماعی** شکل گرفته‌اند و می‌توانند در صورت لزوم از اجبار فیزیکی (زور) استفاده کنند، **نقش‌های سیاسی** و به مجموعه‌ی به هم پیوسته‌ی آن‌ها **نظام سیاسی** می‌گویند.

**فعالیت ۳-۵** با دقت در نقش‌های زیر و مقایسه‌ی الگوهای عمل مربوط به آن‌ها، مشخص کنید این نقش‌ها، تعادل نظام اجتماعی کل را در مقابل کدام یک از تهدیدها حفظ می‌کنند.

نقش‌ها	حلّ تضادها و اختلافات درون جامعه	مقابله با انحراف از قانون	مقابله با تهدید خارجی
رهبری			
ریاست جمهوری			
ریاست قوه‌ی قضائیه			
دبیر کل یک حزب			



## انواع نظام سیاسی

همان‌طور که گفتیم، هر گروه و نظام اجتماعی نقش‌هایی دارد که وظیفه‌ی آن‌ها حفظ تعادل نظام اجتماعی است؛ از این‌رو، با توجه به نوع گروه، نقش‌ها و نظام سیاسی هم تغییر می‌کند؛ مثلاً:

- در یک گروه، رهبر گروه یا شورا به مجازات متخلفان می‌پردازد و گروه را هدایت می‌کند.
- در یک حزب یا انجمن، شورای مرکزی مشخص می‌کند که چگونه باید با آنچه حزب یا انجمن را تهدید می‌کند، مقابله کرد.
- در یک قبیله، رئیس قبیله و شورای رؤسای طوایف یا خاندان‌ها نقش‌های سیاسی‌اند که هدایت قبیله را در جهت مقابله با تهدید خارجی و شرایط طبیعی برعهده دارند و به رفع اختلاف میان افراد و طوایف و مجازات متخلفان می‌پردازند.
- در یک کشور، این وظایف را خرده نظام‌های مختلف و نقش‌های متعددی انجام می‌دهند.
- آن‌چه در این‌جا به عنوان نظام سیاسی مورد بحث قرار می‌گیرد، نظام سیاسی گروه سرزمینی یا ملت است که از نظر مکانی در محدوده‌ی جغرافیایی مشخصی زندگی می‌کند؛
- نسبت به ملل دیگر از استقلال نسبی برخوردار است؛
- فعالیت سیاسی همه‌ی گروه‌ها در حدودی است که این نظام مشخص می‌کند.

نظام سیاسی یک کشور در اشکال مختلفی مشاهده می‌شود؛ از جمله:

### الف – نظام خودکامه

در چند صد سال پیش، زندگی اجتماعی بیش‌تر در قالب قوم و قبیله یا خاندان و محله جریان داشت. حفظ تعادل نظام اجتماعی برعهده‌ی ریش سفیدان و سران قبایل بود؛ یعنی کسانی که یا مسن‌تر از دیگران بودند و در جریان زندگی تجربیات بیش‌تری آموخته بودند یا توانایی جسمی بیش‌تر یا نسب برتر داشتند.

امر و نهی، تصمیم‌گیری در مورد نحوه‌ی برخورد با مشکلات و حلّ تعارضات با

این گونه افراد بود. آن‌ها حکومت را حقّ خود می‌دانستند و در عمل نیز با استفاده از زور و خشونت هر کاری را که می‌خواستند، می‌کردند. در این وضعیت، نظام سیاسی هم حول وجود چنین افرادی شکل می‌گرفت.

— در سطح محدود، خان و زمین‌دار بزرگ (فتودال) و ارباب و ...

— در سطح وسیع، شاه و حاکم و امپراتور و خاقان و مغفور و ...

که در رأس نظام سیاسی قرار داشتند، از اختیارات بسیار برخوردار بودند و در کنار زور و توانایی، از مزایای مادی و احترام نیز بهره داشتند.

در کنار نقش شاهی، نقش صدراعظمی و دیگر نقش‌هایی قرار داشت که می‌توان آن‌ها را وزارت نامید. این نقش‌ها بیش‌تر برای اجرای دستورات مقام پادشاهی شکل گرفته بود؛ افراد به میل شاه در این مقام‌ها قرار می‌گرفتند و با میل او نیز برکنار می‌شدند. بر عهده گرفتن نقش‌های صدارت و وزارت بیش از آن که به مهارت، تخصص و دانایی نیاز داشته باشد، به وفاداری نیازمند بود.

نقش‌های نظامی نیز از بالاترین مقام تا پایین‌ترین نقش‌ها، به‌عنوان بازوی شاه عمل می‌کردند و شاه در برخورد با رقبا و اقوام دیگر از آن‌ها سود می‌جست.

این نوع نظام سیاسی که حول وجود فردی به نام شاه (سلطان)، حاکم و خاقان شکل می‌گیرد و افراد براساس وفاداری به چنین اشخاصی می‌توانند حاملان نقش‌های آن باشند، نظام خودکامه شناخته می‌شود که شکل غالب نظام‌های سیاسی در گذشته بوده است.

## ب — نظام قانونی

با تغییرها و تحولاتی که در چند قرن اخیر در زندگی انسان‌ها رخ داد، دیگر نظام‌های سیاسی خودکامه قادر به حفظ تعادل نظام اجتماعی نبودند؛ زیرا:

— شهرها گسترش یافتند؛

— نیروهای جدیدی در جوامع سر برآوردند که در نظر آن‌ها اطاعت از فردی به نام شاه

بی معنا بود؛

— مفاهیم جدیدی چون برابری و آزادی مطرح شد.



این اعتقادات به معنای نفی نظام خودکامه بود؛ زیرا شاهان همیشه خود را از تباری برتر می‌شمردند و با استناد به این تبار برتر، سلطنت را حقّ خود می‌دانستند؛ در حالی که اعتقاد جدید، همه‌ی انسان‌ها را برابر می‌دانست. هم‌چنین، در گذشته سلطنت امری طبیعی تلقی می‌شد که افراد باید آن را می‌پذیرفتند اما اعتقاد به آزادی این حقّ سلاطین را نفی می‌کرد.

مفاهیم آزادی و برابری در کنار وضعیت جدید زندگی، مانند آتشی بود که در خرمی انبوه بیفتد. توده‌های مردم که تا دیروز تابع شاهان و اشراف بودند، به هواخواهان آزادی و برابری تبدیل شدند و در مقابل قدرت آنان ایستادند.

با نفی قدرت شاهان و اشراف، به تدریج نظام‌های سیاسی جدید شکل گرفت که در آن‌ها مردم در کنار شاهان و اشراف یا بدون آنان و توسط نمایندگان خویش به ایفای نقش در سیاست پرداختند. با پذیرش این نکته که :

— مردم حق دارند سرنوشت خود را خود تعیین کنند؛

— شاهان دارای حقّ طبیعی یا الهی حکومت بر مردم نیستند؛

— و ...

مردم به عنوان محور تعیین‌کننده در نظام سیاسی مطرح شدند. اکنون دیگر، این مردم بودند که مشخص می‌کردند :

— جامعه چگونه اداره شود؛

— چه کسی و با چه خصوصیتی حکومت کند؛

— افراد چگونه به حکومت برسند؛

— و ...

اما از آن‌جا که همه‌ی مردم نمی‌توانستند نظر خود را در همه‌ی امور ابراز کنند، نمایندگی به منزله‌ی شیوه‌ی معمول و مطلوب دخالت مردم در سیاست مطرح شد؛ به این ترتیب :

— نمایندگی برای تصویب قوانین (نماینده‌ی مجلس)؛

— نمایندگی برای اجرای قانون (رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر ...)

— و ...

اساس و مبنای نظام سیاسی جدید قرار گرفت. علاوه بر این، برخلاف نظام خودکامه که «آن چه فرد مستبد می‌گفت و می‌کرد، قانون تلقی می‌شد» و مبنای انتخاب افراد برای تصدی مقام‌های سیاسی «وفاداری به او» بود، در نظام‌های جدید «**قانون به عنوان اساس رفتار همه**» مشخص و معرفی شد و صلاحیت و شایستگی افراد، مبنای انتخاب آن‌ها قرار گرفت.

در این نظام، اگر گروه‌های مختلف در جامعه دارای منافع مختلفی باشند، اختلافاتشان را توسط نمایندگان خود در مجلس و قوه‌ی مجریه حل می‌کنند؛  
— گروه‌های مختلف با عقاید گوناگون حزب و انجمن تشکیل می‌دهند و به فعالیت سیاسی می‌پردازند؛

— کارگزار حکومت را مردم انتخاب کرده‌اند و او تا زمانی می‌تواند حکومت کند که مردم بخواهند؛

— افراد با صلاحیت از اقشار مختلف می‌توانند به حکومت برسند؛  
— همه چیز قاعده‌مند شده است؛ هر مقام و نقشی وظایف و اختیارات مشخصی دارد که نمی‌تواند از حدود آن‌ها فراتر رود؛  
— و ...

از این رو، به این نظام سیاسی **نظام قانونی** می‌گویند؛ چون در آن، قانون مبنای عمل همه است.

برای مثال، می‌توانیم نظام سیاسی کشور خودمان را مورد بحث قرار دهیم.  
**فعالیت ۴ — ۵** با توجه به جدول صفحه‌ی بعد، پنج مورد دیگر از ویژگی‌های نظام خودکامه و نظام قانونی را بنویسید. باید توجه داشت که نظام‌های سیاسی قانونی نیز بنا بر نوع فرهنگ، دین و تاریخ‌شان از یکدیگر متفاوت‌اند<sup>۱</sup>.





نظام خودکامه	نظام قانونی
قدرت از آن زورمندان است.	قدرت از آن مردم است.
حاکم مسلط بر مردم است.	حاکم، نماینده‌ی مردم است.
حاکمان براساس وفاداری به شخص مستبد انتخاب می‌شوند.	حاکمان براساس صلاحیت و شایستگی انتخاب می‌شوند.
سخن فرد مستبد، قانون است.	حاکمان باید براساس قانون عمل کنند.
میان افراد در اجرای قانون تفاوت وجود دارد.	همه‌ی افراد در مقابل قانون برابرند.
.....	.....

### مقایسه‌ی نظام خودکامه و نظام قانونی

## نظام سیاسی ایران

قبل از مشروطیت نظام سیاسی کشور ما نظام خودکامه بود. با انقلاب مشروطیت، قدرت شاه محدود و نظام نمایندگی و قانونی برقرار شد ولی دیری نپایید که همان شرایط پیشین در شکل مشروطه خود را نشان داد؛ تا این که با پیروزی انقلاب اسلامی نظام جمهوری اسلامی شکل گرفت. نظامی که پایه و مبنای آن را اسلام و رأی مردم تشکیل می‌دهد.

در نظام سیاسی ما می‌توان دو گونه نقش را از یکدیگر تفکیک کرد:

۱- نقش‌هایی که افراد در آن‌ها عمدتاً به کار هدایت و جهت‌دهی نظام اجتماعی مشغول‌اند؛ مانند نقش رهبری، نمایندگی مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری، اعضای شورای نگهبان، ریاست قوه قضاییه و وزرا. در این نقش‌ها افراد مشکلات نظام اجتماعی را شناسایی و برای آن‌ها راه‌حل پیدا می‌کنند و آن را به صورت قانون، مقررات، آیین‌نامه و... درمی‌آورند؛ روابط جامعه را با خارج تنظیم می‌کنند و تهدیدهای خارجی و داخلی را شناسایی و برای مقابله با آن‌ها تصمیم‌گیری می‌کنند و ...

۲- نقش‌هایی که عمدتاً تصمیمات و جهت‌گیری‌ها را اجرا می‌کنند و بازوی اجرایی نقش‌های هدایت‌کننده‌اند. خرده نظام اداری، خرده نظام نیروهای مسلح (ارتش و سپاه)، خرده نظام نیروهای انتظامی، خرده نظام قوه قضاییه و ... نمونه‌هایی از این نوع نقش‌های نظام سیاسی‌اند.

### نقش رهبری

در رأس نظام جمهوری اسلامی، نقش ولایت فقیه (رهبری) قرار دارد. **خبرگان**

**منتخب مردم** فردی را برای احراز این مقام انتخاب می‌کنند. ولی فقیه (رهبر) باید صلاحیت‌ها و شایستگی‌های مشخصی داشته باشد:

— صلاحیت علمی لازم برای فتوا دادن در ابواب مختلف فقه

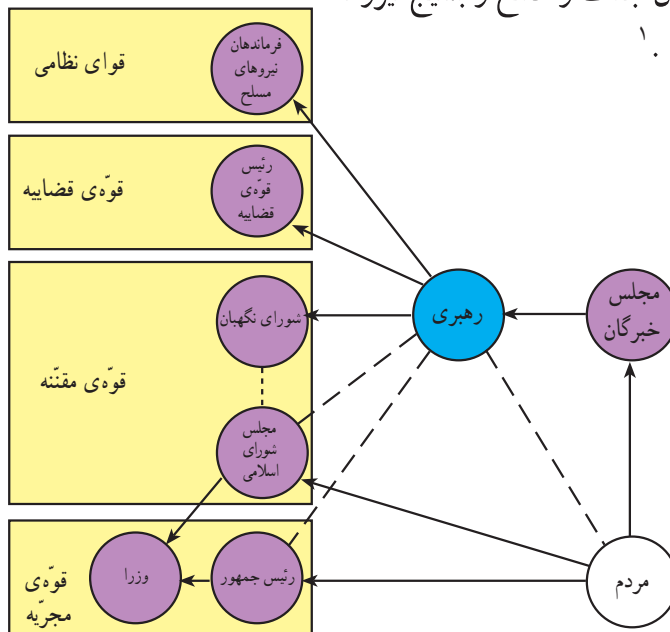


- عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام
- بینش صحیح سیاسی و اجتماعی
- تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری
- و ... .

رهبر وظایف و اختیاراتی نیز دارد؛ هم چون:

- تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی
- نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام
- فرماندهی کل نیروهای مسلح
- تنفیذ حکم رئیس‌جمهور
- عزل رئیس‌جمهور

- اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها
- و ... .<sup>۱</sup>



نظام سیاسی ایران، نظامی قانونی

۱- برای آگاهی از وظایف و اختیارات رهبر، به کتاب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل یکصدودهم مراجعه کنید.

## نقش ریاست جمهوری

نقش رئیس جمهوری در رأس قوه‌ی اجرایی قرار دارد و با رأی مردم انتخاب می‌شود. صلاحیت‌های احراز این نقش عبارت‌اند از:

- مدیر و مدبر بودن
  - دارا بودن حسن سابقه و امانت و تقوا
  - مؤمن و معتقد بودن به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور
  - ایرانی‌الاصل بودن
  - و ...
- وظایف و اختیارات این نقش عبارت است از:
- ریاست قوه‌ی مجریه
  - انتخاب وزیران و معرفی آن‌ها به مجلس
  - امضای عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت با سایر دولت‌ها<sup>۱</sup>
  - اعطای نشان‌های دولتی
  - نظارت بر کار وزیران
  - و ...
- وزرا و معاونان رئیس جمهوری نقش‌های دیگری‌اند که در قوه‌ی اجرایی، سیاست‌گذاری در امور مختلف از وظایف آن‌هاست.

## نقش نمایندگی

در نظام سیاسی، نقش دیگر نقش نمایندگی است که در قالب مجلس شورای اسلامی تبلور یافته است.

---

۱- «عهدنامه»، قرارداد بین‌المللی بین دو دولت عضو سازمان ملل است. «مقاوله‌نامه»، پیش‌نویس یک عهدنامه یا قرارداد است که معمولاً در مراحل مقدماتی ایجاد رابطه یا تحکیم روابط در سطح مسئولان پایین‌تر منعقد می‌شود و الزام‌آور و قابل اجراست. «قرارداد» پیمانی تجارتي است که اکثراً یک طرف آن افراد عادی‌اند. «موافقت‌نامه» قرار یا عهدي است که اعتبار آن کم‌تر از قرارداد و بیش‌تر از مقاوله‌نامه است.



- شرایط و صلاحیت‌های نمایندگی مجلس شورای اسلامی عبارت‌اند از :
- اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام جمهوری اسلامی ایران
- تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران
- و ...
- برخی از وظایف و اختیارات نمایندگان و مجلس عبارت است از :
- قانون‌گذاری
- حق اظهارنظر و تحقیق در مورد همه‌ی مسائل داخلی و خارجی کشور
- دادن رأی اعتماد به وزیران
- استیضاح وزیران
- و ...

## شورای نگهبان

در کنار مجلس شورای اسلامی که به کار قانون‌گذاری مشغول است، شورای نگهبان قرار دارد که قوانین مصوب مجلس را از نظر انطباق آن‌ها با شرع و قانون اساسی بررسی می‌کند.

## مجلس خبرگان

وظیفه‌ی این مجلس که از متخصصان امور دینی تشکیل شده، انتخاب رهبر و نیز تشخیص عدم صلاحیت رهبری براساس معیارهای قانون اساسی است. اعضای مجلس خبرگان را مردم انتخاب می‌کنند.

## شوراهای اسلامی شهر و روستا

برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی، از طریق همکاری مردم و با توجه به مقتضیات محلی، اداره‌ی امور هر روستا و شهر و ... با نظارت شورایی به نام شورای اسلامی روستا و شهر و ... صورت می‌گیرد.

اعضای هر یک از این شوراها را مردم همان محل انتخاب می کنند.

به این ترتیب، در قانون اساسی دو نوع شورا پیش بینی شده است :

۱- شوراهایی که برای هدایت و جهت دهی نظام اجتماعی کل و نظارت بر آن تصمیم گیری می کنند ؛ مانند مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان.

۲- شوراهایی که نقش مشورتی، تقویتی، ارشادی و نظارتی در سطح محدودتری دارند و با ارائه نظرها و پیشنهادهای خود مسئولان کشور را در اداره ی امور یاری می کنند ؛ مانند شوراهای محلی.

نظام سیاسی کشور فقط به نقش هایی که گفتیم، محدود نمی شود ؛ مثلاً خطیبی که در نماز جمعه از سیاست های دولت حمایت می کند، آن ها را مورد انتقاد قرار می دهد و از نارسایی های شهر و استان خود سخن می گوید، فعالیت سیاسی دارد و نقش وی نقش سیاسی است ؛ بنابراین، می توان نقش خطیب نماز جمعه را نیز بخشی از نظام سیاسی دانست.

## فعالیت ۵-۵ در کلاس گفت و گو کنید :

۱- آیا رسانه های گروهی (صدا و سیما، روزنامه ها، مجله ها) و احزاب و انجمن ها را

نیز می توان بخشی از نظام سیاسی دانست؟ چرا؟

۲- مجلس دانش آموزی را می توان جزء کدام یک از انواع شوراها به حساب آورد؟

چرا؟



## مشارکت سیاسی

با توجه به اهمیتی که نقش‌های سیاسی (سیاست‌گذار) در نظام اجتماعی دارند و از آن‌جا که جهت‌گیری نظام اجتماعی تا حد زیادی در گرو تصمیم‌گیری افراد در این نقش‌هاست، افراد و گروه‌های مختلف در جامعه سعی دارند برای پیشرفت مقاصد و تحقق عقاید خود به این نقش‌ها دست یابند. به همین جهت، در جامعه فعالیت‌های بسیاری برای به دست آوردن این نقش‌ها صورت می‌گیرد. مجموعه‌ی این فعالیت‌ها که برای **دست‌یابی به این نقش‌ها** یا **اثرگذاری بر آن‌ها** انجام می‌پذیرد، **فعالیت سیاسی** شناخته می‌شود. افراد و گروه‌ها از راه‌های گوناگون می‌توانند دست به فعالیت سیاسی بزنند و در امور سیاسی مشارکت کنند.

**فعالیت ۶-۵** در کلاس گفت‌وگو کنید :

— با ذکر چند نمونه از این راه‌ها، مشخص کنید چه عاملی اشکال مختلف فعالیت‌های سیاسی را در یک جامعه تعیین می‌کند؟

ممکن است شما نیز این نکته را دریافته باشید که **قانون** اشکال مختلف مشارکت سیاسی افراد را در جامعه مشخص می‌کند :

**راه‌پیمایی‌ها و تظاهرات:** افراد و گروه‌ها می‌توانند با شرکت در راه‌پیمایی‌ها و گردهمایی‌های سیاسی و اجتماعی اهداف و مواضع خود را در امور سیاسی جامعه اعلام کنند؛ برای نمونه، می‌توان از راه‌پیمایی‌های بزرگ اوایل انقلاب اسلامی که با اعلام مواضع مردم در مقابل حکومت شاه همراه بود، یاد کرد. هم‌چنین در زمان حاضر، می‌توان به راه‌پیمایی‌های بیست‌ودوم بهمن که معمولاً با اعلام حمایت از نظام و برنامه‌های آن و نشان دادن قدرت سیاسی کشور به بیگانگان همراه است، نماز جمعه و نیز گردهمایی‌های گروه‌ها و انجمن‌های سیاسی که در آن‌ها این گروه‌ها، اهداف سیاسی خود را اعلام می‌کنند و در صدد جلب نظر افراد و دولت مردان هستند، اشاره کرد.

**شرکت در انتخابات:** براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بسیاری از

نقش‌های سیاسی - مانند نمایندگی مجلس خبرگان، نمایندگی مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری، عضویت در شوراهای اسلامی شهر و روستا و ... - از طریق انتخابات و به اتکای آرای عمومی به افراد محول می‌شود.

گاهی آرای عمومی بی‌واسطه است و از طریق همه‌پرسی و در موارد معینی (مانند انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس و نظایر این‌ها) صورت می‌گیرد. هم‌چنین ممکن است در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، اعمال قوه‌ی مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه‌ی مستقیم به آرای مردم انجام گیرد<sup>۱</sup>.

گاهی نیز مراجعه به آرای عمومی با واسطه انجام می‌گیرد؛ به این معنا که ابتدا مردم به نماینده‌ی خود رأی می‌دهند. سپس او به عنوان نماینده‌ی مردم مسائل مختلف جامعه را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و اظهار عقیده می‌کند. در این صورت، مردم با استفاده از یک واسطه نظر خود را بیان می‌کنند؛ مانند دادن رأی اعتماد به وزرا.

**همکاری با احزاب و انجمن‌ها:** در یک جامعه افراد و گروه‌هایی با علایق، منافع و عقاید متفاوت وجود دارند؛ جامعه باید راه‌هایی را مشخص کند تا آن‌ها بتوانند علایق، منافع و عقاید خویش را بیان و از آن‌ها دفاع کنند و در حدود قانون آن‌ها را محقق سازند.

یکی از راه‌هایی که جامعه برای این منظور پیش‌بینی کرده، تشکیل احزاب و انجمن‌هاست. در این گونه محافل، افرادی با عقاید، منافع و علایق یکسان گرد هم می‌آیند و در حدود قانون، برای دستیابی به نقش‌های سیاسی یا اثرگذاری بر آن‌ها فعالیت می‌کنند. افراد می‌کوشند تا در این نقش‌ها:

- از منافع، علایق، آرمان‌ها و عقاید خویش دفاع کنند؛

- آن‌ها را به صورت قانون و مقررات درآورند؛

- در جهت اجرای آن‌ها بکوشند.

وجود احزاب و انجمن‌ها در یک جامعه آثار و نتایج بسیاری دارد؛ مثلاً:

- خواست‌ها و علایق گروه‌ها و مردم مطرح می‌گردد و برای مشکلات، راه‌حل‌هایی

اندیشیده می‌شود؛ بدین ترتیب، از تحولات ناگهانی جلوگیری می‌گردد؛

---

۱- به قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل ششم مراجعه کنید.





- سیاست‌گذاران از آنچه در جامعه می‌گذرد، بیش‌تر اطلاع می‌یابند؛
- احزاب و انجمن‌ها با اطلاعاتی که در مورد عملکرد سیاست‌گذاران در اختیار مردم قرار می‌دهند، به انتخاب فرد شایسته‌تر کمک می‌کنند؛
- و... .

**فعالیت ۷ - ۵** پنج نمونه‌ی دیگر از آثار و نتایج وجود احزاب و انجمن‌ها در جامعه ذکر کنید.

استفاده از رسانه‌ها: مردم یک جامعه برای ابلاغ پیام‌ها، بیان افکار و انتقال مفاهیم از رسانه‌ها استفاده می‌کنند. امروز با توجه به پیشرفت‌هایی که در زمینه‌ی فناوری ارتباطات به وجود آمده است، رسانه‌ها بیش از هر دوره‌ی دیگری اهمیت یافته‌اند. افراد، گروه‌ها و احزاب سیاسی نیز به منظور:

- آگاهی دادن به مردم از طریق اخبار و اطلاعات داخلی و خارجی
- ایجاد فرصت تفکر و اندیشه برای مردم از راه تفسیر و تجزیه و تحلیل مسائل سیاسی و اجتماعی
- آموزش مردم
- رشد آگاهی سیاسی و اجتماعی مردم
- آگاهی جامعه از اهداف و برنامه‌های سیاسی خود
- و...

از رسانه‌ها بهره می‌گیرند<sup>۱</sup>.

**فعالیت ۸ - ۵** درباره‌ی تأثیرات نامطلوب رسانه‌ها بر جامعه در کلاس با یکدیگر گفت‌وگو کنید.

---

۱- برای آگاهی از شرایط آزادی عقیده، مطبوعات، احزاب و انجمن‌ها، به قانون اساسی جمهوری اسلامی اصول بیست‌وسوم، بیست‌وچهارم و بیست‌وششم مراجعه کنید.

## انتخابات

در نظام سیاسی قانونی، قدرت از طریق نمایندگی به فرد یا افرادی تفویض می شود و آن ها براساس قانون مجازند که از این قدرت استفاده کنند؛ بنابراین، فرد در تفویض قدرت به فرد دیگر (انتخاب نماینده) نقش محوری و مهمی بر عهده دارد و مهم ترین نقش و کار فرد، انتخاب نماینده است؛ زیرا اگر افراد در انتخاب نماینده درست عمل نکنند و انتخاب صحیحی انجام نشود، اولین کسانی که زیان می بینند خود مردم اند.

### نحوه ی انتخاب

در زمان انتخابات، افراد متعددی نامزد (داوطلب) نمایندگی می شوند که صلاحیت آن ها از نظر داشتن شرایط لازم برای نمایندگی بررسی می گردد؛ سپس همه یا گروهی از آن ها تأیید و به مردم معرفی می شوند. از این زمان به بعد،  
— نامزدها (داوطلبان) به معرفی خود و برنامه هایشان در مجلس یا در مقام رئیس جمهوری می پردازند؛

- سوابق خود را مطرح می کنند؛
- خود را نماینده ی گروه و قشر خاصی هم چون کارگران، مستضعفان، بازاریان، مهندسان، دانشگاهیان و ... معرفی می کنند؛
- صلاحیت ها و تخصص های خود را بیان می کنند؛
- می گویند که اگر به مجلس راه یابند یا رئیس جمهور شوند، چه خواهند کرد؛
- و ...

بعد از این، شهروند باید به انتخاب نماینده یا رئیس جمهور بپردازد؛ اما چگونه؟

### مراحل انتخاب

الف — هدف از انتخاب: قبل از هر چیز، هر شهروند باید به این پرسش پاسخ دهد:



«انتظار دارم این نماینده (یا رئیس جمهور) در مجلس (یا قوه ی اجرایی) چه کارهایی انجام دهد و چه اهدافی را دنبال کند»؛ به عبارت دیگر، او باید هدف خود را از انتخاب مشخص کند؛ برای نمونه:

- از اسلام دفاع کند؛
- عدالت اجتماعی را برقرار سازد؛
- کارهای دولت را کنترل کند؛
- شهرم را آباد کند؛
- جاده های روستایی را آسفالت کند؛
- و ...

اگر شهروندی نتواند به این پرسش، پاسخی روشن بدهد، انتخاب او **انتخابی کور** خواهد بود. در این حالت، ممکن است مواردی از قبیل تشویق دیگران یا قیافه ی نامزد نمایندگی و ... او را به پای صندوق رأی بکشاند؛ بدون این که بداند آیا این داوطلب واقعاً نماینده ی او هست یا نه. **فعالیت ۹-۵** سه نمونه ی دیگر از مواردی را که نشان دهنده ی انتخاب کور فرد در جریان انتخابات است، ذکر کنید.

— چرا چنین انتخابی را درست نمی دانید؟

**ب- شناسایی نامزدها:** گام دوم در انتخاب نماینده، شناسایی نامزدهاست. شناسایی به منظور پاسخ گویی به این پرسش صورت می گیرد که «کدام یک از نامزدها می تواند نماینده ی نظریات و افکار من باشد؟».

در این مرحله، شیوه های مختلفی برای شناسایی نامزدها وجود دارد؛ اولین راه شناسایی، بررسی نکاتی است که نامزد مورد نظر به صراحت در سخنرانی ها و تبلیغات خود مطرح می کند. دومین راه، بررسی مطالبی است که **مخالفان** وی در روزنامه ها، سخنرانی ها و محافل مختلف نقل می کنند.

سومین راه، شناخت هواداران وی است؛ این که چه افراد و گروه هایی با چه خصوصیتی از او هواداری می کنند، برایش تبلیغ می کنند، پوستر چاپ می کنند و ...

— مرفهان بی درد از او حمایت می کنند یا توده ی مردم؟

- افراد متعهد و با صلاحیت از او تعریف می کنند یا افراد بی قید و بند؟
- کدام روزنامه برای او تبلیغ می کند؟ خط و خطوط وی چیست؟
- آیا گفتار او با رفتار و عملش هماهنگ است؟
- و ...

چهارمین راه — در صورتی که فرد قبلاً نماینده بوده یا در پست های اجرایی مشغول به کار بوده است — بررسی سوابق او در این کارها، برنامه ها و جهت گیری های وی است. در صورتی که برای داوطلبان مباحثات تلویزیونی یا رادیویی برقرار باشد، این نیز یک شیوه ی شناسایی خواهد بود.

راه دیگر، شرکت در مباحثات و سخنرانی های نامزد مورد نظر و پرسش از وی است؛ زیرا معمولاً داوطلبان در تبلیغات انتخاباتی خود می کوشند به کلی گویی بسنده کنند، بدون این که در صدد طرح شیوه های اجرایی برنامه های خود برآیند. در این موارد، مطرح کردن پرسش هایی درباره ی شیوه های عملی تحقق شعارها می تواند راه گشا باشد.

هم چنین، نامزدها ممکن است از مفاهیم کلی و شعارهایی استفاده کنند که معانی متعدد دارد. پرسش از منظور آن ها نیز می تواند به ما شناخت دقیق تری بدهد.

برای نمونه، یکی از این شعارها را طرح می کنیم: «حمایت از مستضعفان» شعاری است که اکثراً آن را طرح می کنند؛ در حالی که مفهوم مستضعف و نحوه ی حمایت از این قشر، معانی و راه های متفاوتی دارد.

— گروهی مستضعفان را به معنای ضعفا و فقرا می گیرند و حمایت از آن ها را در گرو گسترش امکانات سازمان بهزیستی یا کمیته ی امداد امام می بینند.

— گروه دیگر مستضعفان را افرادی می دانند که مستکبران حقوق آنان را پایمال کرده اند و حمایت از آن ها از طریق برقراری عدالت اجتماعی میسر می شود (اگرچه مفهوم مستکبران و عدالت اجتماعی نیز همین قدر مبهم است و باید روشن شود).

— به نظر بعضی افراد، مستضعفان ملت های تحت ستم اند و حمایت از آن ها از طریق فعالیت سیاسی یا دادن کمک های مالی و نظامی به آنان انجام می گیرد.

**فعالیت ۱۰-۵** با توجه به مثال ذکر شده، دو نمونه ی دیگر از شعارهایی کلی را که معانی متعدد دارند، مشخص کنید؛ سپس برداشت های متفاوتی را که از آن ها می شود، بنویسید.



**پ - تشخیص و ارزیابی:** پس از مرحله‌ی شناسایی، گام سوم ارزیابی و تشخیص است؛ این که:

— کدام یک از این اطلاعات درست است؟

— آیا می‌توان به وعده‌های این داوطلب امید بست؟

— آیا برنامه‌ای که او ارائه می‌دهد واقع بینانه و تحقق پذیر است. یا این که برای خوشایند رأی دهندگان مطرح شده است؟

— اصلاً برنامه‌ای دارد یا این که با بیان شعارهای مردم فریب درصدد جذب آراست؟

در این مرحله، مشخص می‌شود که نظریات و برنامه‌های کدام یک از نامزدها با آن چه شهروند انتخاب کننده می‌خواهد، نزدیک است.

**\*\*\***

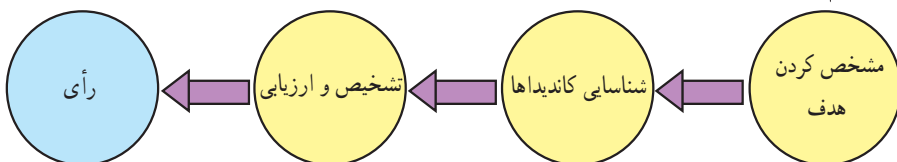
مجموعه‌ی این گام‌ها فرد را به انتخابی دقیق‌تر و روشن‌تر هدایت می‌کند.

شاید بگویید: «انتخاب نماینده عجب کار مشکلی است!» ما هم پاسخ می‌دهیم: «بلی، کاری بسیار مهم و مشکل است؛ زیرا هر فرد با انتخاب خویش در واقع سرنوشت چهار ساله‌ی خود و کشورش را رقم می‌زند.»

فردی که به پای صندوق‌های رأی می‌رود، اگر به کاغذی که دیگری به دست او می‌دهد و اسامی چند کاندیدا بر آن نوشته است، بسنده کند، چه بسا که به جای انجام وظیفه، به خود و کشور خویش خیانت کرده است؛ زیرا این رأی‌ها، فردی را به‌عنوان نماینده‌ی مردم با اختیارات زیاد به مجلس می‌فرستد یا زمام امور کشوری را به دست فردی به نام رئیس‌جمهور می‌دهد.

دوره‌ی جوانی، دوره‌ی انتخاب‌هایی مهم چون انتخاب شغل و همسر است و سهل‌انگاری و بی‌توجهی به آن بر سرنوشت فرد اثر می‌گذارد. این دوره، آغاز انتخاب مهم‌تری نیز است (انتخاب نماینده) که سهل‌انگاری در مورد آن بر سرنوشت فرد و جامعه اثر می‌گذارد.

اگر لازمه‌ی یافتن شغل مناسب، داشتن انگیزه، مهارت و ... است، در انتخاب نماینده هم داشتن اطلاعات و تشخیص درست از ابزارهای کار محسوب می‌شود.



مراحل انتخاب نماینده

## نظام سیاسی و نظام‌های اجتماعی دیگر

### نظام سیاسی و خانواده

افراد قبل از آن که وارد فعالیت‌های سیاسی شوند، در خانواده و مدرسه **اجتماعی** می‌شوند؛ یعنی:

- برای بر عهده گرفتن نقش‌ها و فعالیت‌ها در اجتماع بزرگ‌تر آماده می‌شوند؛
- الگوهای عمل خاصی برای آن‌ها مطلوب و با ارزش شناخته می‌شود؛
- گرایش‌های خاصی پیدا می‌کنند؛
- و ...

در واقع، افراد با **شخصیتی شکل گرفته** به اجتماع بزرگ‌تر وارد می‌شوند و به فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی می‌پردازند.

اگر نوع تربیت فرد در خانواده و مدرسه به گونه‌ای باشد که با ارزش‌ها و الگوهای عمل نظام سیاسی متناسب نباشد، فرد و نظام سیاسی دچار مشکل می‌شوند.

فرض کنید فرد در خانواده‌ای رشد کند که در آن همیشه پدر به‌طور مستبدانه تصمیم‌گیری می‌کند و او نیز این شیوه را طبیعی می‌داند. چنین فردی به احتمال زیاد، در فعالیت سیاسی نیز به شیوه‌های مشورتی روی خوش نشان نخواهد داد.

— از نظر وی سیاست‌گذارانی دارای شخصیت مطلوب‌اند که قاطعانه عمل کنند و به نظریات و انتقادات کم‌تر توجه داشته باشند.

به عکس، اگر فرد در خانواده‌ای بزرگ شده باشد که در آن تصمیم‌گیری با مشورت انجام می‌شود، آمادگی بیش‌تری برای قبول شیوه‌های مشورتی در نظام سیاسی دارد.

حالت دیگری را در نظر می‌گیریم؛ خانواده‌ای با خانواده‌های دیگر و خویشاوندان پیوند و رابطه دارد. کودک این خانواده در مراسم جمعی خویشاوندان و مهمانی‌ها شرکت می‌کند. در او نسبت به همکاری، عمل جمعی و شرکت در مراسم روحیه‌ی مثبت به‌وجود



می‌آید. این فرد وقتی که به اجتماع بزرگ‌تر وارد می‌شود، به احتمال زیاد به کارهای جمعی گرایش خواهد داشت. در فعالیت سیاسی نیز به تشکیل جمع‌های سیاسی و فعالیت‌های دسته‌جمعی گرایش بیش‌تری نشان خواهد داد تا عمل فردی.

در حالی که احتمال دارد کودکان خانواده‌هایی که کم‌تر با خانواده‌های دیگر رفت‌وآمد دارند، در سیاست راه عمل فردی را در پیش گیرند؛ مثلاً در انتخابات به رأی دادن اکتفا کنند.

موارد یاد شده برخی از آثار غیرمستقیم خانواده بر فعالیت سیاسی افراد است. خانواده آثار مستقیمی نیز بر فعالیت سیاسی فرد در آینده دارد.

### **فعالیت ۱۱-۵ دو خانواده‌ی زیر را در نظر بگیرید؛**

— خانواده‌ای که در آن، والدین در فعالیت سیاسی مشارکت مستمر دارد.

— خانواده‌ای که در آن، والدین فعالیت سیاسی را امری بیهوده تلقی می‌کنند.

چند نمونه از رفتارهای سیاسی افراد تربیت شده در این دو خانواده را در بزرگ سالی با یکدیگر مقایسه کنید.

نظام سیاسی نیز بر نظام خانواده اثر می‌گذارد. فرض کنید سیاست‌گذاران درمقابل تهدید خارجی به این نتیجه برسند که باید تولیدمثل افزایش یابد؛ حال چه برای مقابله با دشمن و چه به‌عنوان یک عامل بازدارنده (آن‌طور که رژیم اشغالگر قدس چنین سیاستی را دنبال می‌کند). در این حالت، شکل خانواده تفاوت خواهد داشت با زمانی که افزایش جمعیت خطر تلقی می‌شود و سیاست‌ها در جهت محدود کردن خانواده سازمان می‌یابد. مقابله با شکل زندگی خانوادگی یکی دیگر از اشکال اثر نظام سیاسی بر خانواده است که در نظام‌های کمونیستی از سیاست‌های اصلی محسوب می‌شود.

علاوه بر این‌ها نظام سیاسی:

— با ارائه‌ی الگوهای مشخص زندگی خانوادگی،

— وضع مقرراتی که اختیارات و وظایف زن و شوهر و فرزندان را در خانواده مشخص می‌کند

— و...

بر شکل خانواده، ازدواج، سن ازدواج و ... اثر می‌گذارد.

**فعالیت ۱۲-۵** پنج نمونه از تأثیرات نظام سیاسی را بر خانواده (غیر از موارد گفته شده) بنویسید و آن‌ها را با هم مقایسه کنید.

**ارزشی** که نظام سیاسی برای فعالیت سیاسی خانواده‌ها قائل است، بر شکل و عمل خانواده‌ها اثر می‌گذارد.

در اجتماع قبیله‌ای که قدرت سران طوایف به تعداد خانواده‌ها و اعضای آن‌ها وابسته است، جایگاه خانواده نسبت به جوامع امروزی که در آن‌ها افراد شخصاً در سیاست دخالت می‌کنند، متفاوت است.

— در اجتماعی که ریاست و نقش سیاسی به نسب بستگی دارد، خانواده وضعی متفاوت دارد با جامعه‌ی امروزی که نسب در بر عهده گرفتن نقش‌های سیاسی اثری ندارد. بنابراین، با این که در وهله‌ی اول به نظر می‌رسد که خانواده و نظام سیاسی چندان رابطه‌ای با یکدیگر ندارند، آن‌ها دارای پیوندهای متقابل بسیاری اند؛ به نحوی که ناهماهنگی میان خانواده و نظام سیاسی تأثیرات سویی بر هر دو خواهد گذاشت.

**فعالیت ۱۳-۵** با توجه به نمونه‌ی زیر، سه مورد دیگر از ناهماهنگی‌های میان خانواده و نظام سیاسی را بیان کنید و آثار آن‌ها را بر نظام سیاسی و خانواده، در کلاس مورد بحث قرار دهید.

— تأکید خانواده بر ارزش‌های تجملی و اسراف در نظامی سیاسی که بر صرفه‌جویی تأکید دارد.

## نظام سیاسی و نظام آموزشی

بعد از خانواده، دومین مرحله‌ی اجتماعی شدن فرد در مدرسه و نظام آموزشی انجام می‌شود؛ بنابراین، بخش دیگری از شخصیت، گرایش‌ها و ارزش‌های فرد در این مرحله شکل می‌گیرد. علاوه بر این، مهارت یافتن برای انجام دادن اعمال سیاسی نیز در مدرسه محقق می‌شود. قرار گرفتن معلمان در کنار به جای والدین به عنوان راهنمایان کودک، کسانی که کودک آن‌ها را سرمشق زندگی خویش به حساب می‌آورد و سخنان آنان را معمولاً بدون چون و چرا





اموری مطلوب تلقی می‌کند، این توانایی را به مدرسه و نظام آموزشی می‌دهد که فرد را حتی در مقابل خانواده و اجتماع بزرگ‌تر قرار دهد یا این که او را به اجتماع و خانواده علاقه‌مند سازد.

مدرسه در ارتباط با نظام سیاسی در دو جهت عمل می‌کند :

— ایجاد گرایش منفی یا مثبت در فرد نسبت به نظام و عمل سیاسی،

— ایجاد مهارت برای انجام عمل سیاسی.

علاوه بر این، نظام آموزشی در سطوح بالاتر، نقش دیگری هم در ارتباط با نظام

سیاسی ایفا می‌کند :

— ایجاد صلاحیت و شایستگی برای بر عهده گرفتن نقش‌های سیاسی.

در جوامعی که دارای نظام سیاسی قانونی‌اند، کسانی که سابقه‌ی خانوادگی و اشرافیت

دارند دیگر به صرف این سابقه نمی‌توانند نقش‌های سیاسی را عهده‌دار شوند بلکه آنانی که :

— از نظر ذهنی توانمندند ؛

— می‌توانند به خوبی تحلیل کنند، راه‌حل ارائه دهند و در نتیجه خوب تصمیم بگیرند،

نقش‌های سیاسی را بر عهده دارند و این کاری است که نظام آموزشی انجام می‌دهد.

سوابق تحصیلات رؤسای جمهوری، نخست‌وزیران، وزرا، معاونان و مشاوران و ...

این مدعا را تأیید می‌کند.

**فعالیت ۱۴-۵** نظام آموزشی با تغییر موقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی افراد، بر نظام

سیاسی اثر می‌گذارد. یک نمونه از این مورد را در کلاس مورد بحث قرار دهید.

بنابر آن چه گفتیم، نظام سیاسی در صورتی که بخواهد دوام داشته باشد، باید به‌طور

مداوم متوجه نظام آموزشی باشد. مسیر بسیاری از جوامع که نظام آموزشی آن‌ها به جای

تریت افراد سازگار با نظام سیاسی، افرادی ناسازگار تربیت می‌کند در نهایت به تغییر نظام

می‌رسد. نمونه‌های این امر :

— نظام سیاسی خودکامه یا دیکتاتوری است که در نظام آموزشی آن مفاهیمی چون

آزادی و برابری آموزش داده می‌شود و افراد به جای وفاداری به نظام دیکتاتوری برای

به‌دست آوردن آزادی و برابری سر به شورش برمی‌دارند ؛

— نظام‌های وابسته که در آموزش آن‌ها ارزش‌هایی چون استقلال و کارایی برای افراد درونی می‌گردد و افراد در جهت ناسازگاری با این نظام‌ها تربیت می‌شوند ؛

— در نظامی که اطاعت بی‌چون و چرا و تملق یکی از شیوه‌های دستیابی فرد به نقش‌های سیاسی است و در نظام آموزشی آن تملق و چاپلوسی امری غیراخلاقی و مذموم تلقی شده، فرد به ناسازگاری دچار می‌شود ؛

— و ....



## پرسش‌های فصل

- ۱- نظام سیاسی را تعریف کنید و آن را با نظام اقتصادی مقایسه نمایید.
- ۲- عمده‌ترین وظیفه‌ی نظام سیاسی چیست؟
- ۳- نظام قانونی چه ویژگی‌هایی دارد؟
- ۴- ویژگی‌های دو نظام قانونی و خودکامه را با یکدیگر مقایسه کنید.
- ۵- فعالیت سیاسی چه نوع فعالیتی است؟ مبنا و محدوده‌ی آن را چه چیزی تعیین می‌کند؟
- ۶- چند نمونه از آثار و نتایج وجود احزاب، انجمن‌ها و نشریات را در جامعه بیان کنید.
- ۷- مهم‌ترین نقش فرد در نظام سیاسی قانونی چیست؟ چرا؟
- ۸- رابطه‌ی متقابل تربیت خانوادگی و رفتار سیاسی فرد را شرح دهید.
- ۹- نظام آموزشی با نظام سیاسی چه رابطه‌ای دارد؟
- ۱۰- افراد جامعه از چه راه‌هایی می‌توانند نامزدهای نمایندگی را شناسایی کنند؟ توضیح دهید.

## مروری بر فصل

- ۱- نظام سیاسی از نقش‌هایی تشکیل شده است. این نقش‌ها برای حفظ تعادل نظام اجتماعی شکل گرفته‌اند، با هم پیوستگی متقابل دارند و می‌توانند در صورت لزوم، برای حفظ تعادل نظام اجتماعی از زور استفاده کنند.
- ۲- با توجه به نوع گروه، نظام‌های سیاسی متفاوتی وجود دارد.
- ۳- به نظامی سیاسی که در آن تمام نقش‌ها و اختیارات حول خواسته‌های یک فرد (حاکم کشور) شکل می‌گیرد و افراد براساس سرسپردگی به او انتخاب می‌شوند، «نظام خودکامه» گفته می‌شود.
- ۴- به نظامی سیاسی که در آن نقش‌ها و صلاحیت‌های اداره‌کنندگان امور کشور را قانون مشخص می‌کند، «نظام قانونی» اطلاق می‌شود.
- ۵- نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران نظامی قانونی است که مبنای قوانین مدون آن را قوانین الهی تشکیل می‌دهد.
- ۶- در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، رهبر (ولی فقیه) در رأس نظام قرار دارد و مجلس خبرگان او را از بین فقهای موجود انتخاب می‌کند.
- ۷- رسانه‌های گروهی و احزاب و انجمن‌ها نیز جزء نظام سیاسی کشور محسوب می‌شوند.

- ۸- به مجموعه‌ی فعالیتی که به منظور دستیابی به هدف‌های سیاسی معین (داوطلب شدن، شرکت در انتخابات، شرکت در راه‌پیمایی و ...) انجام می‌گیرد، «فعالیت سیاسی» گفته می‌شود.
- ۹- مهم‌ترین نقش فرد در نظام سیاسی قانونی انتخاب نماینده است.
- ۱۰- لازمه‌ی شرکت آگاهانه‌ی فرد در انتخابات، داشتن هدف مشخص، شناسایی نامزدها و تشخیص و ارزیابی صلاحیت آن‌هاست.
- ۱۱- فرد هر قدر در فعالیت‌ها و انتخابات سیاسی خود با آگاهی بیش‌تری عمل کند، سلامت سیاسی در جامعه بیش‌تر می‌شود.
- ۱۲- مشارکت فرد در فعالیت‌های سیاسی مانند انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس، شوراهای اسلامی شهر و روستا و غیره باید با آگاهی همراه باشد.
- ۱۳- رفتار سیاسی فرد در جامعه از تربیت خانوادگی او تأثیر می‌پذیرد.
- ۱۴- نظام آموزشی کشور با تربیت سیاسی افراد و دادن مهارت‌های سیاسی لازم به آن‌ها به سلامت و تحکیم نظام سیاسی کمک می‌کند و آن‌ها را برای بر عهده گرفتن نقش‌های سیاسی آماده می‌سازد.

## فهرست منابع برای مطالعه‌ی بیش‌تر

- ۱- ابوالحمد، عبدالحمید؛ مبانی سیاست، جلد اول، چاپ پنجم، توس، ۱۳۶۸.
- ۲- ارنسون، الیوت؛ روانشناسی اجتماعی، حسین شکرکن، چاپ سوم، رشد، ۱۳۶۶.
- ۳- اسمل سر، نیل جی؛ جامعه‌شناسی اقتصادی، محسن کلاهیچی، چاپ اول، کویر، تهران، ۱۳۷۷.
- ۴- بشیریه، حسین؛ جامعه‌شناسی سیاسی، نشر نی، تهران، ۱۳۷۴.
- ۵- دورنبوش، رودیگر و استانلی فیشر؛ اقتصاد کلان، محمدحسین تیزهوش تابان، چاپ دوم، سروش، ۱۳۷۵.
- ۶- رابرتسون، یان؛ درآمدی بر جامعه، حسین بهروان، چاپ اول، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۲.
- ۷- ریشه، گی؛ کنش اجتماعی، هما زنجانی‌زاده، چاپ سوم، دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۳۷۴.
- ۸- رتیزر، جورج؛ نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، محسن ثلاثی، چاپ دوم، علمی، ۱۳۷۴.
- ۹- ساروخانی، باقر؛ مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، چاپ اول، سروش، ۱۳۷۰.
- ۱۰- سگالین، مارتین؛ جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، حمید الیاسی، چاپ دوم، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۵.
- ۱۱- شفیع‌آبادی، عبدالله؛ راهنمایی و مشاوره شغلی و حرفه‌ای و نظریه‌های انتخاب شغل، چاپ سوم، رشد، ۱۳۶۷.
- ۱۲- صدیق‌اورعی، غلامرضا؛ جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، چاپ اول، جهاد دانشگاهی، مشهد، ۱۳۷۴.

- ۱۳- صفوی، امان‌الله (مترجم)؛ تئوریه‌های انحراف (مقاله)، مجله‌ی رشد آموزش علوم اجتماعی شماره‌های ۶، ۷، ۸ و ۹، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش، ۷۰-۱۳۶۹.
- ۱۴- غفاریان، سیروس و علی‌اکبر نصیری؛ شناخت حرف و مشاغل، دوره‌ی کاردانی تربیت معلم رشته‌ی حرفه‌وفن، کد ۷۰۱۶، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش، ۱۳۷۴.
- ۱۵- قدیری اصلی، باقر؛ کلیات علم اقتصاد، چاپ هفتم، سپهر، ۱۳۷۲.
- ۱۶- کریمی، یوسف؛ روان‌شناسی اجتماعی، چاپ سوم، ارسباران، تهران، ۱۳۷۵.
- ۱۷- کوئن، بروس؛ درآمدی به جامعه‌شناسی، محسن ثلاثی، چاپ سوم، توتیا، تهران، ۱۳۷۶.
- ۱۸- گیدنز، آنتونی؛ جامعه‌شناسی، منوچهر صبوری، چاپ سوم، نشر نی، تهران، ۱۳۷۶.
- ۱۹- محتشم دولتشاهی، طهماسب؛ مبانی علم اقتصاد، چاپ یازدهم، خجسته، تهران، ۱۳۷۷.
- ۲۰- ملکی، حسن؛ آشنایی با قانون اساسی، سال اول، مراکز تربیت معلم، کد ۳۰۱۰، شرکت چاپ و نشر ایران، ۱۳۷۱.

